

پاورپوینت عربی ہفتم

درس ہشتم

تہیہ و تنظیم :

داور گیتی نورد

دبیر قرآن و پیام و عربی

آذربایجان شرقی شهرستان سراب





لغات درس

متن درس

فعل ماضى ٥ / بدانيم

التمارين





اِئْتِسَام



ترجمه

لَبِّخُنْد





بَلّ



ترجمه

بلکه

بلکه

فرهنگ فارسی معین

۱ - شاید.

۲ - به علاوه . ۳ - باشد که . ۴ - برخلاف ، برعکس





جاءَ جاؤوا



ترجمه

آمد آمدند





جَدًّا



ترجمه

بسیار





حَزِين



ترجمه

غمگين





خافَ



ترجمه

ترسيد





خائف



ترجمه

ترسیده ، ترسان





ذَاهِبِ



ترجمه

رفته

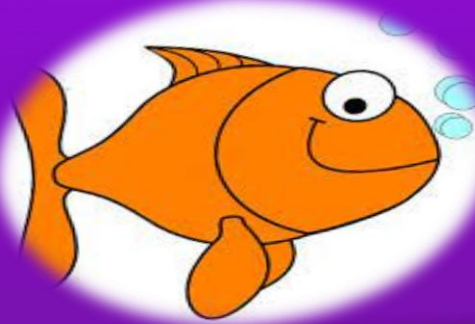


سَمَك



ترجمه

ماهى « جمع : أسماك » سَمَكَة: ماهى



سَمَكَةٌ حَجْرِيَّةٌ



ترجمه

سنگ ماهی



شَبَكَة



ترجمه

تور ، شَبَكَة كَبِيرَة : توري بزرگ





عَلِمَ



ترجمه

دانست عَلِمَ أَنْ: دانست که





پا



ترجمه

پس

پس

/pas/

مترادف: پشت، پی، ته، خلف، دنبال، ظاهر
، ورا، آنگاه، بنابراین، در ...





افيج



ترجمه

زشت

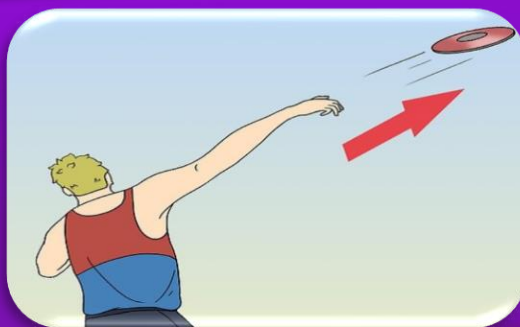


قَذَفَ - قَذَفُوهَا



ترجمه

انداخت ، قَذَفُوا + ها : او را انداختند





وَالْيَٰ



ترجمه

ولی





ماء



ترجمه

آب « جمع: مياه »



نَظَرَ نَظْرًا



ترجمه

نگاه کرد - نگاه کردند





وَحِيد



ترجمه

تنها





هَرَبَ



ترجمه

فرار کرد



زینة الباطن

كانت في بحر كبير سمكة قبيحة اسمها «السمكة الحجرية» و الأسماك خائفات منها.

در یک دریای بزرگ ماهی زشتی بود که اسمش سنگ ماهی بود و ماهی ها از او می ترسیدند.



هي ذهبت إلى سمكتين؛ السمكتان خافتا و هربتا.

او به سوی دو ماهی رفت . ماهی ها ترسیدند و فرار کردند

هي كانت وحيدة دائماً.

او همیشه تنها بود

في يوم من الأيام، خمسة من الصيادين جاؤوا. فقدفوا شبكة كبيرة في البحر.

در روزی از روزها، پنج صیاد آمدند و تور بزرگی را در دریا انداختند .



ادامه



زینة الباطن



الأسماكُ وَقَعْنَ فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ.

ماهی ها در تور افتادند . کسی برای کمک نیامد.

السَّمَكَةُ الْحَجْرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ. فَنَظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ فَحَزِنَتْ.

سنگ ماهی صدای ماهی ها را شنید . پس نگاه کرد به تور و ناراحت شد

وَذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. قَطَعَتْ شَبَكَةَ الصَّيَّادِينَ بِسُرْعَةٍ.

و برای نجات ماهی ها رفت . تور صیادان را به سرعت بُرید .

الأسماكُ خَرَجْنَ وَ هَرَبْنَ جَمِيعًا.

ماهی ها خارج شدند و همگی فرار کردند



ادامه



درباره ما



زِينَةُ الْبَاطِنِ

فَوَقَّعَتِ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَّادُونَ أَخَذُوهَا

سنگ ماهی در تور افتاد و صیادان او را گرفتند.

كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجْرِيَّةَ وَقَّعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ

ماهیها غمگین بودند. زیرا سنگ ماهی بخاطر نجات آنها در تور افتاد.



الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَّادِينَ

ماهی ها به کشتی صیادان نگاه کردند.

هُمْ أَخَذُوهَا وَلَكِنَّهُمْ قَذَفُوهَا فِي الْمَاءِ

آنها او را گرفتند ولی آن را در آب انداختند.

ادامه



زینة الباطن



لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا.

زیرا آن بسیار زشت بود و از آن ترسیدند.

الْأَسْمَاكُ فَرِحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِإِتِسَامٍ

ماهی ها بخاطر نجات او خوشحال شدند و با لبخند به او نگاه کردند.

وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ.

و دانستند که زیبایی درون بهتر از زیبایی ظاهر است.

قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع) : «زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ».

علی (ع) فرمود: زیبایی درون بهتر از زیبایی ظاهر است.



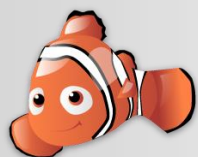


فعل ماضی (۵)



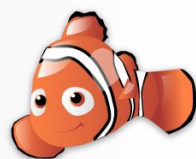
هُمَا كَتَبَتَا.

.....
آنها نوشتند



هُمَا وَقَفَا.

.....
آنها ایستادند



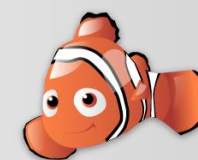
هُنَّ نَظَرْنَ.

.....
آنها نگاه کردند



هُم لَعِبُوا.

.....
آنها بازی کردند





من انجام دادم

به جمله های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

أنا فَعَلْتُ.

بدانیم

اول شخص مفرد

متکلم وحده

تو انجام دادی

أنتِ فَعَلْتِ.
أنتِ فَعَلْتِ

دوم شخص مفرد

مفرد مذکر و مؤنث مخاطب

او انجام داد

هُوَ فَعَلَ
هِيَ فَعَلَتْ

سوم شخص مفرد

مفرد مذکر و مؤنث غائب



درباره ما





ما انجام دادیم

نَحْنُ فَعَلْنَا

أَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ

متکلم مع الغير

شما انجام دادید

أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ
أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ
أَنْتُمْمَا فَعَلْتُمْمَا

دَوِّمُ شَخْصٍ جَمْعٍ

مثنی و جمع مذکر و مؤنث مخاطب

ایشان انجام دادند

هُمُ فَعَلُوا
هُنَّ فَعَلْنَ
هُمَا فَعَلَا - فَعَلَتَا

سَوِّمُ شَخْصٍ جَمْعٍ

مثنی و جمع مذکر و مؤنث غائب



درباره ما



نَحْنُ جَلَسْنَا

ما نشستیم

أَنْتُمْ جَلَسْتُمْ
أَنْتِنَّ جَلَسْتِنَّ

شما نشستید

هُوَ جَلَسَ
هِيَ جَلَسَتْ

او نشست

أَنَا جَلَسْتُ

من نشستم

أَنْتَ جَلَسْتَ
أَنْتِ جَلَسْتِ

تو نشست

هُمَا جَلَسَا - جَلَسَتَا
هُمَّ جَلَسُوا
هُنَّ جَلَسْنَ

آنها نشستند

